



پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

قیام حسینی و انتظار مهدوی

استاد راهنما:

دکتر محسن میرباقری

استاد مشاور:

دکتر مجید معارف

تألیف و تنظیم:

فاطمه سادات آقابراری



کلیت اصول الدین رسالہ مقدمہ علی درجہ الماجستير فی الغلوم القرآن والحديث

عنوانها:

الثوره الحسينیَ والانتظار المهدویَ

الاستاذ المشرف:

الدكتور سيد محسن مير باقری

الاستاذ المشاور:

الدكتور مجيد معارف

اعداد:

فاطمه السادات آقابراری

## تقدیم به:

ساحت مقدس امام عصر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه که باظهورش صالحان فرجام نیکویی یابند  
و حکومت جهانی مهدوی حاکم شود و همچنین تقدیم به روح بلند امام شهیدان، امام حسین (ع) که ریشه ی  
صبر و استقامت رانهادینه کرد و تقدیم به روح پدر شهیدم سید قدرت آقابراری که منتظر واقعی امام عصر (عج)  
و طلعه دار مکتب حسینی بود.

فهرست

۱	چکیده
۲	مقدمه
۵	فصل ۱: کلیات
	۱-۱ طرح مسئله
۶	۱-۲ سوالها
	۱-۳ فرضیه ها
	۱-۴ اهداف تحقیق
۷	۱-۵ پیشینه تحقیق
۸	فصل ۲: بازخوانی جریان های فکری در نهضت عاشورا و انتظار
۱۰	۲-۱ اراده الهی در حاکمیت بخشیدن دین
۱۲	۲-۱-۱ اعطای مسئولیت
۱۳	۲-۱-۲ جانشینی مستضعفان بر زمین
۱۴	۲-۱-۳ تعیین رهبر و امام
۱۵	۲-۱-۴ اراده الهی در قیام عاشورا
۱۸	۲-۱-۵ جهانی شدن حاکمیت دین
۲۰	۲-۲ مجاری تحقق وعده الهی در حاکمیت بخشیدن دین
	۲-۲-۱ حاکمیت صالحان
۲۲	۲-۲-۲ نجات مومنان

۲۷	۳-۲ بررسی برخوردهای مختلف با نهضت عاشورا و انتظار
۲۸	۱۱-۳-۲ انحرافهای فکری مؤثر در ضرورت نهضت عاشورا
۴۰	۱-۳-۲-۱ مواضع تحول فکری مردم در مواجهه با قیام امام حسین (ع)
۴۵	۲-۳-۲-۱ ابعاد انحراف برخی از مدعیان شیعه
۴۷	۳-۱-۳-۲ بررسی موضع مردم در زمان امام حسین (ع)
۵۳	۴-۱-۳-۲ علل انفعال جامعه
۵۴	۲-۳-۲ بررسی گونه های برخورد با انتظار
۵۹	۱-۲-۳-۲ مواضع مردم در عصر ظهور
۶۲	۲-۲-۳-۲ مواضع شیعه در برخورد با اندیشه ی انتظار
۶۴	<b>فصل ۳: جایگاه عناصر مکتبی در نهضت امام حسین (ع) و انتظار</b>
۶۶	الف- ابعاد معرفت:
	۳-۱-۳-۱ خدا محور
۶۸	۱-۳-۱-۱ اشواهد حق محوری نهضت عاشورا
۷۰	۲-۱-۳-۱ جلوه های حق مداری امام حسین (ع)
۷۳	۳-۱-۳-۱ حق محوری منتظران امام مهدی (عج)
۷۴	۲-۳-۱ انطباق با شریعت الهی
۷۵	۱۱-۲-۳-۱ اجرای احکام الهی، انگیزه حرکت عاشورا
۷۷	۲-۲-۳-۱ وظیفه ی منتظران در جهت انطباق با شریعت الهی
۷۹	۳-۳-۱ حاکمیت خدا (امامت)

- ۸۰ ۳-۳-۱ جایگاه حاکمیت الهی
- ۸۴ ۳-۳-۲ امامت، امانت الهی
- ۸۵ ۳-۳-۳ امامت، عامل حفظ وحدت جامعه اسلامی
- ۸۶ ۳-۳-۴ رویکرد مکتبی حاکمیت خدا
- ۸۹ ۳-۴ عدل الهی
- ۹۳ ۳-۵ اصالت حیات اخروی
- ۹۷ ب- ابعاد عملی:
- ۳-۱ تقوا و پارسائی
- ۹۸ ۳-۱-۱ پارسایی در عصر غیبت
- ۱۰۰ ۳-۱-۲ شکوفایی خردها
- ۱۰۲ ۳-۱-۳ عالی ترین عبادت، انتظار فرج امام عصر (ع)
- ۱۰۴ ۳-۲ نماز و انفاق
- ۳-۲-۱ ره آورد نماز
- ۱۰۵ ۳-۲-۲ اقامه نماز اقامه دین
- ۳-۲-۳ انفاق
- ۱۰۶ ۳-۲-۴ نماز عاشورا بیان
- ۱۰۸ ۳-۲-۴-۱ شهید نماز
- ۳-۲-۴-۲ اعطای برکات در نماز
- ۱۱۰ ۳-۳ امر به معروف و نهی از منکر

۱۱۳	۳-۳-۱۱ امر به معروف ونهی از منکر، وظیفه ی منتظران
۱۱۴	۳-۳-۱۴ اخلاق الهی
	۳-۴-۱ آراستگی امام حسین (ع) به کمالات اخلاقی
۱۱۶	۳-۴-۱۲ اخلاق اسلامی، وظیفه ی منتظران
۱۲۰	۳-۵-تقیدمکتبی
۱۲۵	<b>فصل ۴: جایگاه جامعه آرمانی در چشم انداز قیام امام حسین (ع) و انتظار مهدوی</b>
۱۲۶	۴-۱-جامعه آرمانی مظهر ولایت حق
	۴-۱-۱-بشر در جستجوی سعادت
۱۲۸	۴-۱-۲-سعادت بشری در جامعه آرمانی
۱۳۰	۴-۱-۳-جامعه آرمانی از نظر قرآن ونهج البلاغه
۱۳۲	۴-۱-۴-جامعه آرمانی مهدوی
۱۳۵	۴-۲-نقش قیام امام حسین (ع) در تحقق جامعه آرمانی
۱۳۶	۴-۲-۱-مشخصات حماسه مقدس
۱۳۹	۴-۳-عاشورا و انتظار دو چهره از یک فرهنگ
۱۴۰	۴-۳-۱-ریشه ی فرهنگ در عاشورا
۱۴۳	۴-۳-۲-ریشه ی فرهنگ در انتظار
۱۴۵	<b>فصل ۵: شباهتهای دو امام واهداف مشترک</b>
	۵-۱-در ابعاد شخصیت دو امام
۱۴۶	۵-۱-۱- رهبری

۱۴۹	۵-۱-۲ ظلم ستیزی
۱۵۱	۵-۲ وحدت رویه در اهداف دو امام (ع)
	۵-۲-۱ مکتب واحد
۱۵۲	۵-۲-۲ اهداف واحد
۱۵۷	۵-۲-۳ خط مشی واحد
۱۵۸	<b>فصل ۶: شاخصه های شخصیتی عاشوراییان حسینی با منتظران حضرت مهدی (عج)</b>
۱۶۰	۶-۱-۱ معرفت به امام حسین (ع)
۱۶۵	۶-۱-۱-۱ معرفت به امام مهدی (ع)
۱۷۱	۶-۲ تقدم امام بر خود
۱۷۴	۶-۲-۱ توفیق یاری امام مهدی (ع) در هنگام ظهور
	۶-۳ وظیفه شناسی
۱۷۵	۶-۳-۱ تجلی وظیفه شناسی یاران امام حسین (ع)
۱۷۸	۶-۴ دفاع و حمایت از امام
۱۸۰	۶-۴-۱ احراست از حجت خدا
۱۸۲	۶-۵ دشمن شناسی
۱۸۶	<b>فصل ۷: عبرت گیری از حادثه عاشورا از منظر معرفت ناقص از امام (ع)</b>
۱۸۷	۷-۱ عدم آمادگی همراهی با ولی خدا
	۷-۱-۱ عدم شناخت ولی خدا
	۷-۱-۲ ضعف امکانات اقتصادی هواداران امام حسین (ع)



۱۸۸	۷-۱-۳ قدرت اقتصادی و حاکمیت دشمنان امام حسین (ع)
	۷-۱-۴ تهدید و تطمیع مردم
۱۸۹	۷-۱-۵ بازداشت شماری از هواداران برجسته امام
	۷-۱-۶ بی طرفی نسبت به جریان حق و باطل
۱۹۰	۷-۱-۷ گروهی از مدعیان شیعه
۱۹۱	۷-۲ احساس عدم احتیاج به ولی خدا
۱۹۳	۷-۳ علاقه به دنیا
۱۹۸	جمع بندی
۱۹۹	چکیده لاتین
۲۰۰	منابع

## چکیده:

قیام امام حسین (ع) در طول تاریخ، اسوه والگویی تمام قیام ها و فریادهای حق طلبانه و عدالت خواهانه بوده است. این قیام، تبلور حس خداپرستی، خداخواهی و پیاده کردن اوامر و تکالیف الهی و مبارزه با منکرات می باشد.

هرچند در این راه امام حسین (ع) مأموریت یافته بود و برای رسالت خویش آماده سفر شد ولی حضور یاران خاص و خانواده اش قیام ایشان را جاودانه ترکرد.

قیام حضرت مهدی (عج) جلوه ی دیگری از قیام امام حسین (ع) است و باهمان انگیزه و اهداف می باشد. در همین راستا منتظران واقعی امام زمان (عج) باید با بررسی ابعاد قیام امام حسین (ع) و الگوپذیری از راه و روش یاران و خانواده ی امام (ع)، زمینه ی ظهور منجی موعود را مهیا سازند و در راه این رسالت بزرگ ائمه اطهار (ع) ثمر بخش باشند.

منتظران با شناخت و معرفت امام از طریق پیراستگی از بدی ها و یا آراستگی به خوبی ها، پیوند با مقام ولایت، کسب آمادگی برای ظهور حجت حق، ارتباط با فقها و مراجع تقلید، دعا برای تعجیل فرج، بزرگداشت یاد امام و غیره، می کوشند تا نقش سعادت آفرین انتظار را همراه با پایداری و شکیبایی بارز کنند.

## مقدمه:

اهداف بلنداسلام راستین درامامت تجلی یافته است ، پس هدایت به حق روح امامت راستین بوده و محور اصلی تمام برنامه های الهی برای تکامل و پیشرفت صحیح و مطلوب انسان می باشد، هدایتی که خود حق است و انسانهارابه سمت حق می کشاند تا برسیدن به تحقق کامل آن یک انسان هدایت یافته ، امکان هدایت گری پیدا کند و بارسیدن به قله رفیع حق شناسی ، حق خواهی و حق پرستی دیگران رانیز به حقیقت رهنمون باشد. درمورد این گروه خداوند فرموده است :

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ<sup>۱</sup> او چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند. قرآن کریم نه تنها به ما اجازه تبعیت از هرکسی را نداده بلکه درآیه ۳۵ سوره یونس تکلیف این امر را مشخص می کند: « أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ » یعنی آیا کسی که به سوی حق رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود شما را چه شده چگونه داوری می کنید .

پیامبران و انبیاء آمده اند تا راریان کنند و چشم انداز هدایت و سعادت بشرانشان دهند، این مسئولیت منصب نبوت است امامت برای عبور انسان ها از کویچه های تاریک شهوات و شبهات و عصیان و ..... و رساندن او به ساحل نجات است . کار امام پیشوایی و راهنمایی در مسیر است که پیامبر تعیین کرده است ، رسالت و نبوت ختم و قطع می شود، اما ولایت استمرار دارد، اولی از اسماء الله است « وَهُوَ الْوَلِيُّ الْأَحْمَدُ »<sup>۲</sup> و اسماء الله همچون ذات خداوند پاینده و باقی هستند، پس مقام ولایت نیز باقی و دائم است رسول خدا (ص) فرمودند: « یا علی انک تسمع ما اسمع و تری ما اری الا انک لست بنبی » یا علی هر چه را که من می شنوم تو هم می شنوی و هر چه را که من می بینم تو هم می بینی مگر اینکه تو پیامبر نیستی. کلام پیامبر نشان از شناخت امام علی (ع) از مسیر حق است ، انتخاب از سوی خدا، عصمت ، علم لدنی،

وبرترین افرادامت ، خصوصیاتی است که شباهتهای ایشان با پیامبرانشان می دهد. شان و مرتبه اهل بیت آنچنان است که خداوند مودت آنان را مژد رسالت پیامبر(ص) قرار داده و فرموده است « قل لا اسئلكم علیه اجر الا الموده فى القربى » ای پیامبر بگو به ازای آن (رسالت) پاداشی از شما خواستار نیستم مگر مودت درباره اهل بیت(ع).

جامعه اسلامی باروی کار آمدن امویان که تا آخرین لحظات از پذیرش اسلام سرباز زده و سرانجام به ناچار مسلمانی را پذیرا شدند، در مسیری دیگر افتاد که باز گرداندن آنان به راه اصلی هزینه بسیاری می طلبید، امویان و در راس آنان معاویه که به گواهی تاریخ تلاش او از بین بردن اسلام و محو نام پیامبر(ص) بود.

از همان آغاز به دشمنی و مبارزه با پیامبران راستین رسول خدا پرداخت و خشونت هایی علیه آنان به کار بست و برخلاف شرایط صلحی که با امام حسن (ع) بسته بود، فرزندش را بخوار و سگ باز خود را به جانشینی برگزید.

امام حسین (ع) به حکم و وظیفه دینی و بر اساس فرمان پیامبر(ص) که هر مسلمانی می بایست در مقابل بدعت ها و بدعت گذاران قیام کند و نیز آن که خلافت بر آل ابوسفیان و خلفاء حرام است و هر کس معاویه و آل سفیان را بر منبر پیامبر ببیند شکمش را پاره کند، وارد عمل شد.

بالندگی و جاودانگی قیام امام حسین (ع) رامی توان در معنویت گرایی و خدامحوری و ستم ستیزی امام و یاران او جستجو کرد، یکی از علل جاودانگی آن را نیز حضور پر ثمر کودکان و زنان در این نهضت دانست که حضورشان در جهت تحریف زدایی و پیام رسانی تاثیر بسزائی داشت. زیرا خون و پیام در هر انقلابی مکمل یکدیگر بوده و ارزش پیام رسانی هرگز کم تر از خون و شهادت نیست، بی تردید اگر کاروان اسیران نبود، دشمن پرونده کربلا را با هر وسیله ممکن از صفحه تاریخ تقابل حق و باطل محو کرد.

در نهضت حسینی عوامل متعددی دخالت داشته است، حقیقت مطلب این است که همه این عوامل، موثر و دخیل بوده است، یعنی همه این عوامل وجود داشته و امام در مقابل همه این عوامل عکس العمل نشان داده است، پاره ای از عکس العملها و عملهای امام بر اساس امتناع از بیعت است، پاره ای از تصمیمات امام بر اساس دعوت مردم کوفه است و پاره ای بر اساس مبارزه با منکرات و فسادهایی که در آن زمان به هر حال وجود داشته است.

عامل اول درحادثه حسینی ، مساله بیعت بود، عامل دوم دعوت مردم کوفه مطرح است ، وعامل سوم امریه معروف ونهی ازمنکراست .

عامل سوم وموقعیت فاسداوضاع زمانی ، امام رابراین داشت که قیام کند، که این عامل ارزش نهضت رابسیار بالابرد.

این راه ادامه خواهدداشت تافردي معصوم ازتبارخاتم پیامبران تجلی یابد وتحقق تمام اهداف رسالتهای الهی درطول تاریخ رازآن خود کندوقدرت دین راهمراه حکمت برگستره زمین برافراشته وبشریت سرگردان رابه سرمنزل مقصود هدایت نماید.

## فصل ۱: کلیات

### ۱- ا طرح مسئله:

قیام امام حسین (ع) رامی توان مقدمه ای جهت آماده کردن انسان برای تحقق جامعه مهدوی دانست و چه بسا این خود از اهدافی باشد که امام حسین (ع) بخاطر تحقق آن راه شهادت را پویید. پیوندشدیدی بین قیام امام حسین (ع) و قیام امام زمان (عج) مشاهده می شود، دریک نگاه عاشورازمینه ساز ظهور مهدوی است. پیامبر اسلام نورورحمت الهی است، بعد از پیامبر (ص)، اسلام به انحراف کشیده شد، همچنانکه خود آن حضرت فرمودند که بعد از من اسلام به قهقرا خواهد رفت. پس از پیامبر اکرم (ص) جامعه اسلامی به سوی ظلمت روی نهاد و این آیه قرآن محقق شد که "والذین کفروا اولیائهم الطاغوت یخرجونهم من النورالی الظلمات"

درچنین شرایطی ائمه اطهار (ع) وظیفه سنگینی بردوش داشتند و باید به هر نحو ممکن اسلام حقیقی را در جریان اصلی خود هدایت می کردند، از این رو لحظه ای ساکت نشستند و در زمان خانه نشینی و دوران خلافت سنت نبوی را حفظ کردند و در پیچه ای را در میان مسلمانان ایجاد کردند.

جریان امامت و ولایت ائمه اطهار (ع)، جدای از یکدیگر نبوده، بلکه متناسب با شرائط و مقتضیات زمان، جلوه های گوناگونی به خود گرفته است. این جریان، گاه در قیام سرخ، گاه در نهضت فرهنگی و عملی، گاه در لباس اسارت، و گاه در تبعید و هجرت متبلور شده است، اما از آنجاکه تمامی معصومین، نور واحد هستند (خلقکم الله انوارا) هدف واحدی را نیز دنبال می کردند.

حضرت علی (ع) پایه گذار مکتب شیعه بود و امام حسن (ع) در حفظ آن، با پذیرش صلح تلاش کرد، چراکه معاویه اگر پیروز میدان می شد تمام شیعه را قتل عام می کرد.

شیعه در زمان امام حسین (ع) از انزوای بیرون آمد و با یک کار و جهاد امام (ع) جان گرفت و اعلام رسمیت نمود. این عاشورا بود که شیعه را رسمیت بخشید و زاویه حقی در دایره باطل ایجاد کرد، این زاویه روزبه روز گسترده تر شد تا بدانجاکه امروزه جمعیت قابل توجهی از مسلمانان پیرو مکتب اهل بیت (ع) یعنی اسلام واقعی هستند. جامعه ی منتظر، استمرار سلسله ی حجت های الهی از آفرینش حضرت آدم تا روز قیامت را معتقد است و بر این اساس در پیروی از پیشوایان معصوم و پای فشردن بر شاخصه های زندگی

سالم، اجرای حدود الهی، حق مدار ماندن، تقویت ایمان و اعتقاد و داشتن ثبات قدم در دین داری، گرفتن نیامدن در دام بدعت ها و انحرافات و... راز بایسته های اساسی عصر غیبت برشمرد. بنابراین انتظار در فرهنگ شیعه بر محور اعتقاد تعبدی به ظهور امام زمان (ع) بر نمی گردد، بلکه از لحاظ اعتقاد عملی، همراه با مسوولیت خواهد بود.

مهمترین رسالت ائمه هدی (ع)، حفظ دین الهی و به ثمر رساندن آن بود، تمام این امر مقدس در زمان حضرت بقیه الله (عج) خواهد بود و کمال شیعه با قیام امام مهدی (عج) خواهد شد. عاشورا و قیام خونین امام حسین (ع) آینده نگری مثبت پیامبران الهی را تحقق بخشیده و باعث ایجاد انگیزه، جهت حفظ دین و امید به آینده روشن در پرتو قیام جهانی امام زمان (عج) گردید.

### ۱-۲ سوالها:

۱- قیام امام حسین (ع) در چه جهت زمینه ساز قیام جهانی امام مهدی (عج) بوده است؟

۲- ارتباط فرهنگ عاشورا با اعتقاد به مهدویت در چیست؟

۳- اهداف و پیامهای دو قیام چه بوده است؟

### ۱-۳ فرضیه ها:

۱- قیام امام حسین (ع) زمینه ساز حفظ و گسترش تربیت نیرو برای قیام جهانی امام مهدی (عج) بوده است.

۲- فرهنگ عاشورا و اعتقاد به مهدویت با یکدیگر تعامل و ارتباط تنگاتنگ دارند و تأثیراتی ژرف در جامعه تشیع پدید آورده اند.

۳- قیام امام مهدی (عج) ادامه نهضت عاشورا است و در هر دو هماهنگی و یکسانی در هدف و پیام یافت می شود.

### ۱-۴ اهداف تحقیق:

۱- نشان دادن عدم اختلاف و وجود وحدت رویه در اهداف و عملکرد ائمه معصومین (ع) به ویژه قیام امام حسین (ع) و قیام امام مهدی (عج) است.

۲- مقایسه زمان امام مهدی (عج) و امام حسین (ع) در انحراف فکری، فساد اجتماعی، رواج بی دینی و بدعت در جوامع اسلامی و در سطح جهانی مشابهی یکدیگر است.

۳- بیان دلایل پیوند قیام امام حسین (ع) و قیام مهدوی .

۴- یافتن عبرتها و رهیافتهای موجود در قیام امام حسین (ع) و زمینه های ظهور آن تا برای منتظران مهدی روشنی راه باشد.

### ۱-۵ پیشینه ی تحقیق:

پیرامون موضوع قیام امام حسین (ع) و همچنین انتظار مهدوی بطور جداگانه کار شده است. کتاب فلسفه عاشورا از دیدگاه اندیشمندان جهان اسلام، نوشته ی بخشعلی قنبری از منظر نقد و بررسی، به مباحث عقل و منطق، توجه به کاربرد دنیوی دین و توجه به کلیت دین پرداخته است. در بعضی از کتب به نظریات منفی مستشرقان در این زمینه اشاره شده از جمله کتاب حسین بن علی (ع) را بهتر بشناسیم، نوشته ی آیت الله یزدی و همچنین مقاله ی صالحی نجف آبادی در کنگره امام خمینی (ره) تحت عنوان تطبیق قیام امام حسین (ع) با موازین فقهی. در کتاب بررسی و تحقیق پیرامون نهضت حسینی، نوشته ی سیدعلی فرخی اشاراتی به برخی رویکردهای مختلف درباره عاشورا شده است، ولی هیچکدام از موارد فوق بصورت مبسوط و تفصیلی و بوسیله روش های علمی تدوین نشده است.

پیرامون موضوع انتظار مهدوی، در چارچوب وظایف منتظران، ظهور موعود، عدالت مهدوی و امنیت و غیره جداگانه کار شده است. اما دو موضوع عاشورا و انتظار بطور تلفیقی کمتر بررسی شده است. از جمله ی کتب مرتبط با آن می توان کتاب عاشورا مکتب انتظار نوشته ی دکتر علی هراتیان که با نگاه تحلیلی عاشورا را احیاگر دین معرفی نموده و از پنجره انتظار به حماسه عاشورا نگریسته و جلوه های انتظار را در واقعه کربلا مرور کرده است. آنچه در این رساله به آن پرداخته شده است، بررسی اساس قیام امام حسین (ع) از بعد اجتماعی و معنویت، عناصر مکتبی و فرهنگی آن و شناخت یاران امام حسین (ع) از منظر منتظران امام مهدی (عج) تا بانگاه عبرت گیری خود را برای قیام امام مهدی (عج) آماده سازند.



## فصل ۲: بازخوانی جریان های فکری در دو نهضت عاشورا

### وانتظار

در بررسی تاریخ بشری ، همواره دو خط ،مقابل یکدیگر وجود داشته است .آنچنانکه در قرآن بدان اشاره شده است: " وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ..."<sup>۱</sup> یعنی بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم.

براساس کلام خداوند دشمنانی از شیاطین جن و انس وجود داشته که با سخنان فریبنده ، مردم را به اشتباه بیاندازد .اگر خداوند اراده می کرد ،قطعا جلوی این عمل را می توانست بگیرد ولی خداوند بر مردم آزادی داد و میدان آزمایش و تکامل و پرورش را به وجود آورد . پس شیاطین ودین ستیزان خواهان برچیده شدن حق ودین هستند .همانطور در قرآن بدان اشاره شده است: "يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ"<sup>۲</sup> یعنی می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید،وهمچنین اراده حق بر حاکمیت دین حق بوده است و نیزدر قرآن آمده است: "هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ"<sup>۳</sup> یعنی اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند هر چند مشرکان را ناخوش آید .

پس بر دل پیامبر (ص) واوصیای الهی یقین واطمینانی است که هیچگاه دین الهی برچیده نخواهد شد وحق برباطل پیروزاست . درقرآن براین مطلب اشاره شده است: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»<sup>۴</sup>

۲-الصف- ۸

۱-الانعام- ۱۱۲

۴-الاسراء- ۸۱

۳-الصف- ۹

باتوجه به آیه ۹ سوره صف در زمان پیامبر(ص) دین اسلام در منطقه شبه جزیره عربستان بر تمام ادیان غلبه یافت اما خبر قرآن، از پیروزی کلی است که در تمام زمین سایه اش گسترده خواهد شد. از پیامبر(ص) روایت شده است: « لایبقی علی ظهر الارض بیت مدرو لاولبر لا ادخله الله کلمه الاسلام»<sup>۱</sup> یعنی بر روی زمین هیچ کوخ و هیچ خیمه ای نماند جز اینکه خداوند کلمه اسلام را در آن حاکم گردانیده باشد.

در جهت تحقق این وعده الهی و گسترش حق و دین الهی در پهنای جهان، بعد از مقدماتی که پیامبر(ص) در دوران بیست و سه ساله دعوت خویش، تحقق وعده حاکمیت صالحان را فراهم آورد، هدف تداوم یافتن این جریان فکری الهی و برچیده شدن جریان ضد دینی، حضرت علی (ع) را به عنوان وصی و جانشین تفویض فرمود تا این جریان از طریق امامان (ع) پیگیری شود. بعد از رحلت پیامبر(ص)، جبهه دین ستیز ظهور بیشتری پیدا کرد و برای مقابله با دین تلاش کرد. قیامهای مهمی که در طی تاریخ اسلام پدید آمد در جهت بازگرداندن دین به مسیر اصلی بود که از آن جمله قیام امام حسین (ع) برجسته ترین آن حرکت‌هایی توان بر شمرد.

این جریان فکری دینی تا به امروز ادامه داشته است و همچنین در جهت گسترش نهائی حاکمیت الهی نیازمند قیام امام زمان (ع) است تا آن وعده الهی محقق گردد و پیروزی و غلبه کامل حق بر باطل در عصر حضرت (ع) جهانگیر شود. امام باقر(ع) فرمودند: «اذا قام القائم ذهب دوله الباطل»<sup>۲</sup> یعنی هنگامیکه قائم (ع) قیام کند هر دولت باطلی از بین میرود.

---

۲- الکافی، ۲۷۸/۸

۱- مجمع البیان، ۲۵/۵

## ۲-۱۱ اراده الهی در حاکمیت بخشیدن دین:

حیات حق مداران و راستی طلبان، همواره قرین الطاف پنهان و آشکار الهی است که در زندگی آنان جاری بوده و زمینه بهره مندی هر چه بیشتر از نعمت های پروردگار و واصل شدن به طریق هدایت و سعادت را فراهم می کند. خداوند متعال وعده غلبه دین جامع اسلام بر سایر ادیان را به صراحت بیان فرموده است:

"هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ"<sup>۱</sup>

"هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا"<sup>۲</sup>

باتوجه به تفاسیر قرآن کریم از جمله تفاسیر نمونه و مجمع البیان در موضوع وعده الهی اینگونه اشاره شده: «این وعده ای است صریح و قاطع از طریق رویای پیامبر به شماخبر پیروزی داده است که بانهایت امنیت وارد مسجد الحرام می شوید و مراسم عمره را به جا می آورید، بی آنکه کسی جرأت مزاحمت شمارا داشته باشد و نیز اگر بشارت فتح قریب می دهد، تعجب نکنید، این ها اول کار است و سرانجام اسلام عالم گیر می شود بر همه ادیان پیروز خواهد گشت، چرا پیروز نشود درحالی که محتوای دعوت بر رسول الله (ص) هدایت است (ارسل رسوله بالهدی) و آئین او حق است (و دین الحق).

منطق نیرومند اسلام و محتوای غنی و پر بار آن ایجاب می کند که سرانجام ادیان شرک آلود را نابود کند و ادیان آسمان تحریف یافته را برابر خود به خضوع وادارد و با جاذبه عمیق خود دل ها را به سوی این آئین خالص جلب و جذب کند.»<sup>۳</sup>

در تفسیر مجمع البیان نیز ذیل آیه فوق از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود: «خانه ای روی زمین باقی نمی ماند، نه ساخته شده از گل و لای (= خانه شهری) و نه ساخته شده از پشم شتر (=خیمه عشایری) مگر این که خداوند، کلمه اسلام را آن جا از طریق عزت و شوکت یا از طریق ذلت

۱- التوبه - ۳۳      ۲- الفتح - ۲۸

۳- تفسیر نمونه، ۲۲ / ۱۱۰

و خوار کردن مردم وارد کند. اگر به عزت و شوکت باشد، مردم آن دیار را در زمره گروه مسلمانان در آورد و بدین وسیله، آنان عزیز و ارجمند گردند و اگر خوار و ذلیل شوند، عاقبت به اسلام گردن نهند و خود را بدان پایبند سازند.<sup>۱</sup>

قرآن کریم خاصیت رشد و نمو جنبش اسلامی را چنین توصیف می کند: "وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا"<sup>۲</sup>

یعنی،... و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده‌است.

"..فَأَمَّا الزُّبْدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ"<sup>۳</sup>

یعنی، اما کف پوچ و تباه شده از بین می رود و اما آنچه برای مردم سودمند است در زمین باقی می ماند.

خداوند با اراده تکوینی خود، کل هستی را خلق کرده و بر مدار معینی و با قانونمندی خاصی در بستر زمان، آن را به جلو می برد. انسان هم یکی از مخلوقات او است و براساس آیات قرآن - البته با شرایط و تکالیف ویژه - نجات دادن مؤمنان بر خود خداوند فرض شده است و با امدهای غیبی، خداوند بشریت را هدایت می کند. دو آیه زیر براین مطلب صحه گذاشته است:

"إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ"<sup>۴</sup>

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ"<sup>۵</sup>

۱- مجمع البیان، ۳۸/۵

۲- الفتح-۲۹

۳- الرعد-۱۷

۴- محمد-۷

۵- آل عمران-۱۶۰